

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



جمهوری اسلامی ایران
وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
وزیر

شماره: ۱۴۰۰/۱۴۵۷۰۵

تاریخ: ۱۴۰۰/۰۴/۱۹

ساعت: ۸:۵۷

پیوست: ۵ کد

« سال تولید ، پشتیبانی ها ، مانع زدایی ها »

جناب آقای علیرضا رزم حسینی
وزیر محترم صنعت، معدن و تجارت

با سلام و احترام

به پیوست بولتن «آنچه ممکن است ندانید» که حاوی نکات مهم و برگزیده مهم‌ترین رسانه‌های خارجی درباره موضوعات داغ جهان و عمدتاً مرتبط با سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در هفته گذشته است، برای استحضار و بهره‌برداری لازم ارسال می‌شود.
دریافت نظرات و پیشنهادهای جناب‌عالی موجب امتنان است. ای

سید علی حسینی



جمهوری اسلامی ایران

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
معاونت امور مطبوعاتی و اطلاع رسانی

صرفاً جهت استحضار
غیر قابل انتشار

آنچه ممکن است ندانید



انسان
نشر آوران

شماره صد و شصت و هشت - 5 تا 12 تیر 1400

بسمه تعالی

۱- آنچه شما باید بدانید :

این خبرنامه می‌کوشد نکات مهم و برگزیده برخی رسانه‌های خارجی که درباره موضوعات داغ جهانی و عمدتاً مرتبط با سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، قابل توجه به نظر می‌رسد را به صورت هفتگی، ارائه دهد. این نوشتار با هدف جریان‌شناسی از تحولات جاری جهانی، شامل رویکردهای خصمانه رسانه‌های دشمن و معاند جمهوری اسلامی ایران نیز می‌شود و قطعاً انتشار این نکات و محورها نه به معنای تایید آن بلکه صرفاً اطلاع‌رسانی درباره روندها و سناریوهای رسانه‌ای مطرح در رسانه‌های جهان است.

2- آنچه ممکن است ندانید:**الف) خبرنامه هفتگی**

از تاریخ ۱۴۰۰/۰۴/۰۵ تا ۱۴۰۰/۰۴/۱۲

تصویر هفته

IRAN vs. U.S.



After Iran election



After U.S. election

That the country's top officials met with the President-elect and the defeated candidates congratulated the winner was a very good occurrence that took place in our country. Compare this with the US election fiasco!

مختصر و مفید؛ مقایسه جالب سایت انگلیسی khamenei.ir درباره وضعیت ایران و آمریکا پس از انتخابات‌های اخیر

• محور اول: تندروها گفتمان حمله به سران مقاومت را تندتر می کنند

(پیشنهادات مایکل نایتز یک کارشناس تندرو به آمریکا): رهبران شبه نظامیان عراقی را بزنید و به ایران هم پاسخ شدیدتری بدهید. این چاره خلاء نیروهای آمریکایی پس از خروج از خاورمیانه است. (پولیتیکو)

1- الگوی پیشنهادی پاسخ به حملات طرفداران ایران

دولت باید بین حملات بی‌امان شبه‌نظامیان و یک‌کنگره‌بدگمان‌گیر کرده و باید فرمولی پیدا کند که عملکرد بهتری نسبت به چند ماه گذشته داشته باشد. اول، ضربه دشمن را با ضربه سخت‌تری پاسخ دهید. این همان چیزی است که رهبران شبه‌نظامیان واقعا از آن می‌ترسند. با این حال در عوض دست‌یازیدن به شدیدترین گزینه، ایالات متحده باید با دادن علامتی درباره آن - مثلا اشاره به زدن یکی از رهبران شبه‌نظامیان - شروع کند و روشن سازد که دفعه بعدی و با یک حمله موشکی علیه پایگاه‌های آمریکایی، هدف اعلام شده کشته خواهد شد. (پولیتیکو)

2- ترور بدون اعلام و بدون قبول مسئولیت

برای کاهش خطر تشدید، دست داشتن ایالات متحده در این گونه عملیات را اعلام نکنید. دولت عراق، ایالات متحده را به خاطر حملات موشکی مورد انتقاد قرار داد در حالی که ایران و نیروهای شبه‌نظامی را به این خاطر که آنها علنا اعلام نکردند که در حملات دست داشته‌اند، نکوهش نکرد. (پولیتیکو)

• محور دوم: فناوری نانو ایران در سیل تحریم؟

مایکل رویین در اندیشکده آمریکن اینترپرایز: ایران می‌خواهد یک پیشتاز در زمینه فن‌آوری نانو باشد. دولت ایران پی‌جویی فزاینده‌ای دارد تا خود را بعنوان کانونی در زمینه فن‌آوری نانو معرفی کند. برگزاری نمایشگاه‌های سالیانه، ترغیب به پژوهش‌های دانشگاهی و گزارش منظم آخرین تحولات نانو از کرم‌های ضدآفتاب گرفته تا صنعت قطعات خودرو از جمله اقدامات ایران است. معمولا نمودار کردن دستاوردهای ایران و تاکید بر آن با هدف جریان‌سازی و موج تحریمی جدید در امریکن اینترپرایز انجام می‌شود.

• محور سوم: آیا سیل مهاجران افغانستانی به ایران گسیل خواهند شد؟ خط خبری**انگلیس، مواجهه ایران با طالبان است یا موازنه رعب؟****1- بی‌بی‌سی فارسی از طالبان رسیده به مرزهای ایران می‌گوید**

شهرستان "غوریان" در ۱۰۰ کیلومتری شهر هرات قرار دارد و دارای مرز مشترک با ایران است. خط آهن میان افغانستان و ایران نیز از این مسیر می‌گذرد. رودخانه هریرود در این شهرستان جاری است و از همین طریق به ایران سرازیر می‌شود. مقام‌های محلی هرات همچنین از حمله طالبان به بازار "قدوس آباد" در "اسلام قلعه"، مرز این افغانستان با ایران خبر داده‌اند. (بی‌بی‌سی)

2- توافق پنهانی امریکا و طالبان

- کنگره امریکا همه فعالیت‌های خود را متوقف کرده تا دو ضمیمه سری توافق صلح با طالبان را بررسی کند.
- طالبان ضمیمه سری را خوانده‌اند. کاخ سفید به شدت تاکید دارد که اسناد باید پنهان بماند.
- این اسناد جزئیات تفاهم میان امریکا و طالبان را شرح می‌دهد، از جمله این‌که چه پایگاه‌هایی می‌تواند تحت کنترل افغان‌ها باقی بماند. (نیویورک تایمز)

3- ارنش افغانستان در آستانه فروپاشی

- مجله فوربس گزارش داده که نظامیان افغانستان در ماه ژوئن بیش از ۷۰۰ تانک هاموی، خودروهای زرهی و سیستم‌های توپخانه‌ای خود را از دست داده‌اند.

- نیروهای دولتی افغانستان در بیش تر مواقع وسایط و تجهیزاتشان را بدون درگیری در میدان جنگ رها کرده‌اند.

4- سیل آوارگان دوباره وارد ایران می شوند

- دفتر هماهنگی امور کمک‌های انسانی سازمان ملل متحد (اوچا) می‌گوید که تشدید جنگ‌ها در نقاط مختلف افغانستان منجر به آواره شدن بیش از 205 هزار نفر از مناطق اصلی‌شان شده است.

- تنها در یک هفته گذشته بیش از 56 هزار تن از شهروندان استان‌های "قندوز، تخار، بدخشان و بغلان" در شمال افغانستان به دلیل شدت جنگ‌ها آواره شده‌اند. (خبرگزاری جمهور)

• محور چهارم: آمریکا به تحریم ورزش ایران هم می اندیشد

سی ان ان: آیا ایران باید از المپیک محروم شود؟

چند دهه است که قهرمانان ورزشی ایران، آزار می بینند، تحقیر می شوند، بازداشت و شکنجه می شوند. در پی اعدام نوید افکاری در ۲۰۲۰، اکنون بسیاری از آن ورزشکاران، خواهان جلوگیری از حضور کشورشان در المپیک هستند. (سی ان ان)

• محور پنجم: آیا تمام تراکنش‌های خصوصی و گروهی و عمومی ایرانی‌ها در شبکه‌های

اجتماعی رصد می شود؟

1- سخنگوی فیسبوک گفت: «عوامل تهدید مستقر در ایران از جمله ماندگارترین و مجهزترین گروه‌هایی هستند که به شکل آنلاین، به‌ویژه در پلتفرم‌های ما، فعالیت می‌کنند». (نیویورک تایمز)

2- یافته‌های پژوهشگران فیک ریپورتر حاکی است که بسیاری از تصاویر و محتواهایی که ایرانیان استفاده می‌کردند از سایت‌های ایرانی گرفته شده بود یا امکان پیوند با حساب‌های فیسبوک و توئیتری را داشتند که پیوند قبلی با ایران داشتند. هرچند پژوهشگران باور دارند که بسیاری از کشورها این کار را انجام می‌دهند، اما بررسی اخیر برای نخستین بار نشان داد که چگونه دولتی می‌تواند در گروه‌های کوچک ارتباطاتی نفوذ کند و همچنین چگونگی فعالیت کارزارهای دروغ‌پراکنی در اپلیکیشن‌های رمزنگاری شده را نمایان کرد. (نیویورک تایمز)

3- آژانس‌های اطلاعاتی آمریکا نگران وقوع این اتفاق در ایالات متحده هستند. هفته گذشته، وزارت دادگستری اعلام کرد که دسترسی به ده‌ها وبسایت مربوط به کارزار دروغ‌پراکنی ایران را مسدود کرده است. یک مقام اطلاعاتی آمریکا به نیویورک تایمز گفت که مسئولان امر برای ردیابی دروغ‌پراکنی‌های ایرانی، گروه‌های پیام‌رسان در تلگرام، واتس‌آپ و سایر اپلیکیشن‌ها را از نزدیک پایش می‌کنند. (نیویورک تایمز)

• محور ششم: چه کسی در عراق از کاهش رابطه عراق با ایران سود یا ضرر می

کند؟

1- نفت در برابر هیچ

برخی رسانه‌ها از دیدار تاریخی السیسی در عراق با ملک عبدالله به عنوان یک «اتحاد عرب» به منظور مقابله با نفوذ ایران نوشتند. چنین چیزی شدنی است؟

پاسخ کارشناسان این است: مصر و اردن هیچ چیزی در مقابل نفت عراق ندارند که به عراقی‌ها بدهند بنابراین با وجود حمایت آمریکا نشست سه جانبه عراق و مصر و اردن در عمل ما به ازایی نخواهد داشت.

-عراق را تبدیل به گاوی نکنید که سگ‌ها (اردن و مصر) از شیر آن بخورند (العهدنیوز عراق)

2- اسرائیل می خواهد این فرصت مغتنم شمرده شود

جروزالم پست: اجلاس سران مصر، عراق و اردن می تواند خبر خوبی برای خاورمیانه باشد. اجلاس مهم سران این سه کشور نشان می دهد که در پی افزایش همکاری امنیتی و اقتصادی هستند.

3- چین بهتر است یا اردن و مصر؟

توافق لغو شده با چین بسیار بهتر و کاراتر از توافق با مصر و اردن است (برائا عراق)

• محور هفتم: بزرگترین خطر در داخل عراق

بیت شیعی باید تا قبل از بهره برداری دشمن از تفرقه موجود بین آنها، کاری بکند (خبرگزاری برائا عراق)

• محور هشتم: فضا سازی و جنگ روانی رسانه سعودی علیه رابطه ایران و نظام سوریه

منابع اسرائیلی اخیرا تازه ترین رسوایی نظام سوریه را در روابطش با ایرانی ها برملا کردند. به گفته این منابع، رژیم بشار اسد اطلاعاتی درباره محل حضور و امکانات شبه نظامیان وابسته به ایران در سوریه را در اختیار اسرائیل قرار داده و اسرائیلی ها از این اطلاعات برای حمله به اهداف وابسته به ایران در سوریه استفاده کرده اند. اسرائیل در مقابل این اطلاعات، خدماتی به رژیم اسد برای تسهیل احیای روابطش با اروپا ارائه کرده است. (الشرق الاوسط انگلستان)

محور نهم: اسرائیل و عربستان بر طبل جنگ آمریکا با ایران از طریق ضعیف نشان دادن**ایران می گویند: استناد رسانه ای به حمله علیه حشدالشعبی****1- رسانه های اسرائیلی: ایران ترسید**

عدم پاسخ قاطع نیروهای مقاومت به حمله آمریکا به پایگاه امام علی در مرز عراق و سوریه، و تاکید رسانه های اسرائیلی بر ترس ایران از درگیری با آمریکا و عدم واثایی دفاع از خود و نیروهای وابسته به خود در رسانه های اسرائیلی بازتاب یافت.

2- رسانه سعودی: چماق و هویج یعنی این

عراق میان چماق آخوندها و هویج بایدن.. نشانه های تغییر نسبی در سیاست چماق و هویج آمریکا در تعامل با نمایندگان ایران در عراق پس از حملات هوایی به شبه نظامیان طایفه ای مرتبط با ایران نمایان شد (عکاظ)

3- دیدگاه دموکرات های آمریکا؛ رفت و برگشت بایدن بین زور و دیپلماسی

بایدن با امواج متقاطع تندی در سیاست خود با ایران روبروست. فرمان حملات هوایی علیه شبه نظامیان مورد حمایت ایران، نشان می دهد که بایدن مجبور است میان بکارگیری زور و پی جویی دیپلماسی برای احیای برجام رفت و برگشت کند. (نیویورک تایمز)

تحلیلگران می گویند که حملات هوایی تازه بایدن، یک پیام روشن به ایران است اما بعید است که گفتگوهای وین برای احیای برجام را از خط خارج کند. (سی ان بی سی)

• محور دهم: چند نکته درباره واکسیناسیون در اسرائیل

احتمالا این شایعه که در شبکه های مجازی هم به وفور دیده می شود را شنیده اید که اسرائیل همه مردم خود را واکسن زده و به دیگرانی هم داده ما ایرانی ها....

مساله اما ظاهرا خیلی پیچیده تر از اینهاست. به این عبارات رسانه های صهیونیستی و غربی دقت فرمایید:

1- یک نفر از هر سه مبتلا و نه حتی یک سوم مردم واکسینه شده اند

فرانکفورت آگماینه سایتونگ (آلمان): تقریباً یکی از هر سه مبتلا به کرونا در اسرائیل، کاملاً واکسینه شده است

2- اسرائیلی ها را واکسن زدیم اما باز هم کرونا گرفتند!!

تشدید موج چهارم کرونا در اراضی اشغالی افزایش ابتلای روزانه به کرونا و ثبت 401 بیمار کرونایی، علی رغم واکسناسیون عمومی در اسرائیل (رسانه های صهیونیستی)

پی نوشت اول: واکسن مورد استفاده اسرائیلی ها واکسن مناسبی نبوده یا مقامات به نام واکسن برای آرام کردن مردم آنها را به نام واکسن فریب داده اند؟

3- واکسن مورد استفاده اسرائیل عوارض دارد؟

بالاگرفتن اختلافات بر سر واکسناسیون کودکان و نوجوانان در اسرائیل و تاکید وزرای اسرائیلی بر عدم واکسناسیون نسل آینده این رژیم به سبب عدم مشخص بودن عوارض این واکسناسیون در دراز مدت و احتمال ایجاد بحران در آینده

پی نوشت دوم: عوارض واکسن های مورد استفاده اسرائیلی ها چیست؟ آیا مسئولان بیمارستانی چیزهایی از مردم سرزمین های اشغالی پنهان می کنند؟

• **محور یازدهم: موشک الکتروپتیکی اسرائیل چیست؟**

در بولتن های پیشین نوشتیم با توجه با علاقه و تخصص نفتالی بنت در زمینه فن آوری های نوین تسلیحاتی، او حرکت رژیم صهیونیستی را به سوی سلاح های هوشمندتر پیش خواهد برد. اسرائیل از امتحان موشک دریا به ساحل الکتروپتیکی با برد 300 کیلومتر خبر داد شرکت رافائل که تولید کننده و توسعه دهنده سیستم های دفاعی اسرائیل است از موشک های دریایی نسل 5 خود رونمایی کرد که توانایی هدایت و نقطه زنی در عمق 300 کیلومتری را دارد، رونمایی کرد. این موشک دریا به ساحل با قابلیت تغییر لانچر توانایی پرتاب از ساحل به دریا و سطح به سطح را نیز داشته و با قابلیت رهگیری و طبقه بندی خودکار هدف، میتواند به طور همزمان 5 هدف را رهگیری و طبقه بندی کرده، نزدیک ترین هدف را منهدم سازد.

شرکت رافائل که با ساخت سامانه های توسعه دهنده موشکی تموز و سپیک شناخته می شود وظیفه توسعه گنبد آهنین را نیز بر عهده دارد با ساخت این نسل از موشک های الکتروپتیکی سطح موشک های دفاعی اسرائیل را بالابرد اما با توجه به هزینه زیاد این نوع موشک ها عملاً برای نابودی اهداف سبک مانند قایق های تندرو و قایق های جمینی حماس کارایی نخواهد داشت.

• **محور دوازدهم: نسخه اندیشکده کوئبنسی برای نیروهای آمریکا در منطقه؛
برگردیم، نمی توان مقابل نفوذ ایران ایستاد**

امروز ایران چگونه می تواند منافع ایالات متحده را تهدید کند. محتمل ترین حالت ضربه به منافع آمریکا در افغانستان، عراق و شاید نیروهای دریایی ایالات متحده در خلیج فارس باشد. به طور خلاصه، همان نیروهایی که در منطقه برای مقابله با حملات احتمالی از سوی ایران مستقر شده اند خود هدف حمله هستند. بنابراین، در صورت بازگرداندن آنها به خانه، ترس از این حملات نیز مرتفع خواهد شد. به علاوه، نگه داشتن نیروها در عراق هیچ تاثیری در کاهش نفوذ ایران نخواهد داشت و حتی ممکن است به حفظ حمایت از نقش ایران در عراق کمک کند. همانطور که دیدیم آخرین حملات ایالات متحده توسط هر دو دولت سوریه و عراق محکوم شد. (اندیشکده کوئبنسی)

• **محور سیزدهم: رسانه ژاپنی: واکنش ایران نشان داد تحریم ها فرصت پزشکی
شده است**

تحریم ها باعث پیشرفت فناوری پزشکی در ایران شده است. (توکیو شیمبون)

ب) خلاصه آنچه که در رسانه های خارجی ممکن است نخوانده باشید

پولیتیکو (پیشنهادات یک کارشناس تندرو به آمریکا): رهبران شبه نظامیان عراقی را بزنید و به ایران هم پاسخ شدیدتری بدهید

نویسنده: مایکل نایتز MICHAEL KNIGHTS

تاریخ: ۲۰۲۱/۰۷/۰۲

- ۱- دولت بایدن شروع به انجام کاری کرده که روسای جمهور قبلی در مورد آن زیاد صحبت می کردند اما هرگز موفق به اجرای واقعی آن نشدند: خروج نیروهای ایالات متحده از خاورمیانه.
- ۲- مشکل اینجاست که کاخ سفید حفظ یک نیروی قبراق و متمرکز مبارزه با تروریسم در عراق و سوریه را جایگزینی ارزشمند برای خروج کامل می داند. این رویکرد به نفع دشمنانی مانند داعش و تندروهای ایران است. تیم بایدن باید واکنشی هوشمندانه تر، سخت تر و مخفیانه تر نسبت به این چرخه انتقام جویی داشته باشد.
- ۳- از زمان روی کار آمدن بایدن، شبه نظامیان ۲۴ حمله به پایگاه های ایالات متحده انجام داده اند که تنها سه پاسخ تلافی جویانه دریافت کرده اند. از سوی دیگر این پاسخ ها خسارت های کمی وارد کرده که به سرعت قابل جبران هستند. این حملات همچنین به اندازه کافی هدفمند نبوده و نتوانسته بر محاسبات رهبران شبه نظامیان تاثیر بگذارد.
- ۴- از سوی دیگر قانونگذاران ایالات متحده حق دولت برای ورود به دنباله طولانی از عملیات تلافی جویانه علیه شبه نظامیان مورد حمایت ایران را به چالش کشیده اند. آنها نگران اند که این الگوی تشدید نظامی به یک جنگ تبدیل شود.
- ۵- به این ترتیب، دولت بایدن بین حملات بی امان شبه نظامیان و یک کنگره بدگمان گیر کرده و باید فرمولی پیدا کند که عملکرد بهتری نسبت به چند ماه گذشته داشته باشد. اول، ضربه دشمن را با ضربه سخت تری پاسخ دهید. این همان چیزی است که رهبران شبه نظامیان واقعا از آن می ترسند. با این حال در عوض دست یازیدن به شدیدترین گزینه، ایالات متحده باید با دادن علامتی درباره آن - مثلا زدن یکی از رهبران شبه نظامیان - شروع کند و روشن سازد که دفعه بعدی و با یک حمله موشکی علیه پایگاه های آمریکایی، هدف گزینه اعلام کشته خواهد شد.
- ۶- دوم، برای کاهش خطر تشدید، دست داشتن ایالات متحده در این گونه عملیات را اعلام نکنید. دولت عراق ایالات متحده را به خاطر حملات موشکی مورد انتقاد قرار داد در حالی که ایران و نیروهای شبه نظامی را به این خاطر که آنها علنا اعلام نکردند که در حملات دست داشته اند، نکوهش نکرد.
- ۷- سوم، به ایران اجازه ندهید که ریسک کارهایش را به نیروهای نیابتی اش واگذار کند. ایران باید بداند که تحویل هواپیماهای بدون سرنشین به نیروهای نیابتی هزینه دارد و این پیام را ارسال کنید که اقدامات پنهانی ایران را زیر نظر داشته و به آنها پاسخ می دهید.

۸- تنش زدایی با ایران از گذر گفتگو پیرامون توافق هسته ای راه به جایی نخواهد برد. تنها راه برای پشتیبانی از نیروهای آمریکایی در عراق و سوریه بازدارندگی ساده به سبک قدیمی است. رئیس جمهور تازه ایران نیز فعالیت های نظامی و موشکی را غیر قابل گفتگو می داند. به شیوه رئیسی، حق آمریکا در دفاع از نیروهای خود غیر قابل گفتگوست.

<https://www.politico.com/news/magazine/2021/07/02/biden-iraq-bombing-vicious-cycle-497699>

نکات اصلی مقاله بلومبرگ: رییس جمهوری تازه ایران با یک بحران موج و دیتی در اقتصاد روبروست.

نا آرامی در بخش صنایع حساس انرژی ایران، به تهدیدی برای رییس جمهوری آینده تبدیل شده است.

نویسنده: بابی گاش Bobby Ghosh

تاریخ: ۲۰۲۱/۰۷/۰۱

۱- ابراهیم رئیسی، رئیس جمهور منتخب ایران، یک ماه مانده به سوگند ریاست جمهوری اش، رفته رفته با مشکلات و چالش هایی که کشور با آنها روبروست، آشنا می شود: حملات موشکی علیه شبه نظامیان عراقی، حمله به سایت های هسته ای توسط اسرائیل، توقف گفتگوهای وین و غیره. با این حال به نظر می رسد مهم ترین مشکلی که رئیس جمهور آینده با آن روبروست نادیده گرفته شده است: بالا گرفتن اعتراضات در صنعت حیاتی نفت ایران.

۲- کارگران ناراضی در بخش انرژی، تهدید سطح بالاتری به شمار می روند. رژیم مدتهاست که کارگران این بخش را قهرمانان طبقه کارگری معرفی می کند. این موضوع نه تنها نشان دهنده اهمیت بخش انرژی برای اقتصاد ایران بلکه اهمیت کارگران این صنعت نیز هست.

۳- در اواخر سال ۱۹۷۸، اعتراضات گسترده نفتی در ایران اوج گرفت. کارگران از دستمزد و شرایط خود ناراضی بودند. در نهایت به روی اعتراضات آتش گشوده شد و کنترل اوضاع از دست رفت. اعتراضات به سایر بخش ها گسترش یافت، کاملاً سیاسی شد و زمینه برای براندازی شاه در انقلاب سال ۱۹۷۹ فراهم گردید.

۴- نارضایتی های امروز بازتابی است از اعتراضات سال ۱۹۷۸. به علاوه، رژیم حالا در پایین ترین میزان محبوبیت خود پس از انقلاب قرار دارد و میزان مشارکت در انتخابات ریاست جمهوری یک ماه گذشته هم کم ترین میزان بوده است.

۵- اکنون رئیسی میراث دار اقتصادی است که در سه سال گذشته واحد پولش ۸۰ درصد ارزش خود را از دست داده و با تورم ۴۰ درصد دست به گریبان است. او می تواند بر روی گفتگوهای وین حساب باز کند. به این ترتیب، دارایی هایی که سال ها مسدود شده اند آزاد می شود تا بتواند شکایت کارگران معترض بخش نفت را بخواباند.

۶- با این حال، دولت بایدن نشان داده است که برای لغو تحریم ها عجله ای ندارد. حتی اگر پیش بینی ها در مورد صادرات نفت ایران در سه ماهه چهارم درست باشد، این زمان کافی است تا نارضایتی های کارگران بخش انرژی بالا بگیرد.

۷- بنابراین، چه بسا رئیسی در اولین قدم از ریاست جمهوری اش با یک شورش ضد رژیم در همان بخشی که برای دگرگون سازی چشم انداز اقتصادی ایران حیاتی است، روبرو شود. در صورت گسترش اعتراضات به دیگر صنایع، رژیم جمهوری اسلامی ایران ممکن است به وسیله همان نیروهایی به چالش کشیده شود که چهار دهه پیش تولدش را رقم زدند.

<https://www.bloomberg.com/opinion/articles/2021-07-01/iran-s-new-president-raisi-faces-an-existential-economic-crisis>

نیویورک تایمز: ایران کارزار دروغ‌پراکنی‌اش را کوچک کرد تا از رادار غول‌های فناوری بگریزد

این اقدام، که فعالان اسرائیل را هدف گرفته بود، آخرین نشانه از تلاش دولت‌ها در زمینه به‌کارگیری روش‌های نوین پراکندن بذر نارضایتی به‌شکل آنلاین بود، روش‌هایی که شناسایی و ردیابی آنها دشوارتر است.

نویسنده: شیئا فرنکل Sheera Frenkel

تاریخ: 2021/06/30

۱. کشف کارزار دروغ‌پراکنی اخیر ایران علیه فعالان اسرائیلی در کانال‌های تلگرام و گروه‌های کوچک واتس‌آپ توسط فیک ریپورتر (Fake Reporter)، یک گروه دیده‌بان دروغ‌پراکنی اسرائیلی، نشان داد که چگونه کشورها کارزارهای دروغ‌پراکنی‌اش را کوچک و مینیاتوری کرده‌اند تا بتوانند زیر رادار شرکت‌های فناوری‌ای دوام بیاورند که در ریشه‌یابی این کارزارها تهاجمی‌تر شده‌اند.

۲. این کارزارهای دروغ‌پراکنی به جای تعامل با گروه گسترده‌ای از مخاطبان در فیسبوک و توئیتر، بر ارتباطات کوچکتر و خصوصی‌تر در واتس‌آپ، تلگرام و سایر اپلیکیشن‌های پیام‌رسان رمزنگاری‌شده تمرکز می‌کنند و به تحریک احساسات ضددولتی و گردآوری اطلاعات درباره نارضایتی‌ها و تشکیلات فعالان می‌پردازند. از آنجا که فقط فرستندگان و گیرندگان پیام‌ها می‌توانند محتوای گفتگوها را ببینند، این گونه کارزارهای دروغ‌پراکنی از نگاه شرکت‌های فناوری و مسئولان پنهان می‌مانند.

۳. آچیا شاتز (Achiya Schatz)، مدیر فیک ریپورتر می‌گوید: «ویژگی هوشمندانه و بی‌سابقه‌ی این کارزار این بود که آنها [ایرانی‌ها] به گروه‌های کوچک چت‌های آنلاین نفوذ کرده بودند، جایی که کسی پیش‌بینی حضور عوامل ایرانی را نمی‌کرد. آنها واقعا اعتماد مردم را جلب کرده و از زیر رادار فیسبوک، توئیتر و سایر شرکت‌های فناوری گریخته بودند».

۴. سخنگوی فیسبوک گفت: «عوامل تهدید مستقر در ایران از جمله ماندگارترین و مجهزترین گروه‌هایی هستند که به‌شکل آنلاین، به‌ویژه در پلتفرم‌های ما، فعالیت می‌کنند».

۵. یافته‌های پژوهشگران فیک ریپورتر حاکی است که بسیاری از تصاویر و محتواهایی که ایرانیان استفاده می‌کردند از سایت‌های ایرانی گرفته شده بود یا امکان پیوند با حساب‌های فیسبوک و توئیتری را داشتند که پیوند قبلی با ایران داشتند. هرچند پژوهشگران باور دارند که بسیاری از کشورها این کار را انجام می‌دهند، اما بررسی اخیر برای نخستین بار نشان داد که چگونه دولتی می‌تواند در گروه‌های کوچک ارتباطاتی نفوذ کند و همچنین چگونگی فعالیت کارزارهای دروغ‌پراکنی در اپلیکیشن‌های رمزنگاری شده را نمایان کرد.

۶. آژانس‌های اطلاعاتی آمریکا نگران وقوع این اتفاق در ایالات متحده هستند. هفته گذشته، وزارت دادگستری اعلام کرد که دسترسی به ده‌ها وبسایت مربوط به کارزار دروغ‌پراکنی ایران را مسدود کرده است. یک مقام اطلاعاتی آمریکا به نیویورک تایمز گفت که مسئولان امر برای ردیابی دروغ‌پراکنی‌های ایرانی، گروه‌های پیام‌رسان در تلگرام، واتس‌آپ و سایر اپلیکیشن‌ها را از نزدیک پایش می‌کنند.

۷. به‌گفته‌ی این مقام اطلاعاتی آمریکا، که به شرط فاش نشدن نامش با نیویورک تایمز سخن می‌گفت، اپلیکیشن‌های پیام‌رسان ابزاری ایده‌آل برای ایران است تا با ورود به گروه‌های محدود مردمی و متشکل از اعضای

دارای دیدگاه‌های مشترک به انتشار پیام‌های تفرقه‌انداز و افراط‌گرا بپردازد. مثلا، فعالان ایرانی پیام‌هایی را به اشتراک می‌گذاشتند که نتانیاهو را به آدولف هیتلر تشبیه می‌کرد - مقایسه‌ای اهانت‌بار که ممکن بود در برخی از افراد دیدگاه‌هایی افراطی به وجود بیاورد یا سایرین را به این فکر بیاورد که گروه‌های آنلاین آنها بسیار افراطی شده است.

۸. افرادی که ناآگاهانه با ایرانی‌ها ارتباط برقرار کرده بودند، گفتند که همه‌گیری کرونا ویروس و آشفته‌گی سیاست‌های اسرائیل آنها را در برابر دروغ‌پراکنی ایران آسیب‌پذیر کرد. بسیاری از اسرائیلی‌ها برای پرهیز از حضور در گردهمایی‌های پرجمعیت تصمیم گرفتند در اعتراضات محلی شهر، منطقه یا حتی محل خودشان شرکت کنند. اسرائیلی‌ها برای سازمان‌دهی این اعتراضات گروه‌هایی را در واتساپ و تلگرام و سایر پلتفرم‌های اجتماعی تشکیل دادند که امکان عضویت در آنها برای همگان آزاد بود.

۹. به گفته‌ی آپیا شاتز، این آشفته‌گی باعث شد ایرانی‌ها به آسانی به گروه‌های تازه ملحق شوند و حتی خودشان گروه‌هایی را تشکیل بدهند. ایرانی‌ها با نفوذ در یک گروه به آسانی می‌توانستند از طریق تبلیغات گروه‌های دیگر در گروه اول به ده‌ها گروه دیگر نیز دسترسی پیدا کنند. «مردم تمام مدت لینک‌های گروه‌های تازه را به اشتراک می‌گذاشتند و دیگران را دعوت می‌کردند تا به گروه‌های دیگر بپیوندند. ایرانی‌ها می‌توانستند در گفتگوهای هر گروهی که می‌خواهند مشارکت کنند».

۱۰. ایرانی‌ها از طریق اعضای این گروه‌ها، افراد عادی یا روزنامه‌نگاران، به اطلاعاتی نظیر تصاویر اعتراضات اسرائیل دست پیدا می‌کردند. فعالان ایرانی هفته‌ها و ماه‌ها در بسیاری از گروه‌ها حضور داشتند. دستور زبان ضعیف آنها و امتناع از گفتگوهای تلفنی یا دیدار حضوری بدگمانی‌ها را برانگیخت و باعث شد مردم حساب کاربری این افراد را به فیک ریپورتر گزارش کنند.

۱۱. یک افسر شین بت (شاباک یا سازمان اطلاعات و امنیت داخلی اسرائیل) به نیویورک تایمز گفت که این سازمان، پس از افشاگری‌های فیک ریپورتر علیه فعالیت ایرانی‌ها، تحقیقاتش در این زمینه را شروع کرده است.

۱۲. بن ایتزاک (Ben Itzhak)، افسر اطلاعاتی سابق اسرائیل که مسئول استخدام جاسوسان و دارایی‌های خارجی بود، این کارزار ایران را «عملیاتی تمام‌عیار» نامید و گفت: «به عنوان یکی از مدیران پیشین که در پی جذب افرادی بودم که به ما اطلاعات بدهند، می‌توانم بگویم که این اقدام بسیار هوشمندانه است. شگفت‌انگیز است که در این برهه از زمان در معرض چنین اقدامی قرار گرفته‌ایم».

<https://www.nytimes.com/2021/06/30/technology/disinformation-message-apps.html>

اندیشکده کوئینسی: حمله به شبه نظامیان و آینده حضور نیروهای آمریکایی در خاورمیانه.

اکنون روشن شده که استدلال برای ادامه حضور نیروهای آمریکایی در خاورمیانه، یک دور باطل است.

نویسنده: پاول پیلار Paul R. Pillar

تاریخ: ۲۰۲۱/۰۶/۳۰

- ۱- ایالات متحده حالا درگیر جنگ دیگری با شبه نظامیان در عراق و سوریه است. این حملات که به وسیله هواپیماهای بدون سرنشین و دیگر تجهیزات صورت می گیرد چندین بار تکرار شده اند. انتقام جویی ایالات متحده می تواند به یک اتفاق منظم تبدیل شود.
- ۲- تبادل این حملات همچنین می تواند از دریچه بازگشت به توافق برجام نگریسته شود، چه بسا دولت بایدن می خواهد فشار بر ایران را افزایش دهد. دور از انتظار نیست که ایران نیز در هدفی مشابه، با حملات شبه نظامیان ارتباط پیدا کند. هر چند برچسب شبه نظامیان طرفدار ایران، انگیزه و هدف خود شبه نظامیان را انکار می کند.
- ۳- تا زمانی که نیروهای آمریکایی در عراق و سوریه باقی بمانند، حملات ادامه خواهد یافت. بدیهی است که آخرین حمله ایالات متحده هیچ مانعی برای حمله موشکی روز بعد آن در شمال شرقی سوریه نبود.
- ۴- این سوال اساسی نادیده گرفته شده است که چرا پرسنل نظامی ایالات متحده که همین حالا هم تحت حملات شبه نظامیان هستند هنوز در خاورمیانه مستقر بوده و آیا هدفی که آنها به خاطر آن مستقر شده اند بر هزینه های هدف حمله قرار گرفتن توسط نیروهای مسلح محلی می چربد یا نه
- ۵- حضور نظامی ایالات متحده در خاورمیانه با مسئله مبارزه با تروریسم گره خورده و استدلال پشت سر آن همواره دفاع در مبدا به جای جلوگیری از رویارویی در خانه بوده است. با این حال، از زمان ریشه کن شدن دولت اسلامی در عراق و سوریه، مسئله مبارزه با تروریست ها دیگر نمی تواند توجیه کننده عملیات نظامی ایالات متحده در خاورمیانه باشد. یک کنفرانس بین المللی این هفته گزارش داد که خطر داعش امروز در آفریقا بیش از هر جای دیگری است.
- ۶- از مدت ها قبل از حادثه یازده سپتامبر، اعزام نیروهای خارجی بیش از آنکه یک عامل بازدارنده در برابر حملات تروریستی باشد محرک آنها بوده است. این موضوع نباید تعجب آور باشد چرا که رژه نیروهای یک ارتش خارجی در چمن خانه دیگری، تحقیر آمیز است.
- ۷- با توجه به شرایط دیگر قدرت های خارجی که در خاورمیانه فعال هستند، این تفکر که خاورمیانه زمین بازی خوبی برای رقابت بر سر افزایش نفوذ آمریکا یا روسیه است، باید کنار گذاشته شود. امروز نفوذ روسیه در منطقه تنها به سوریه محدود شده و حضور ایالات متحده در شمال شرقی این کشور نه تنها به کاهش این نفوذ منتهی نشده که حتی ممکن است آن را توجیه کند. تلاش های چین نیز برای اعمال نفوذ در منطقه عمدتاً غیر نظامی است.
- ۸- حضور نظامی ایران در عراق و سوریه همواره مورد استناد است. ترامپ اعلام کرده بود که دلیل اصلی او برای نگه داشتن نیروهای ایالات متحده در خاورمیانه، نظارت بر رفتار ایران است. آنهایی که از خروج سریع نیروهای آمریکایی از خاورمیانه انتقاد می کردند بیشتر نگران حملات ایران بودند.

۹- ایران یک قدرت منطقه ای متوسط است که توانایی هایش برای آسیب زدن به منافع آمریکا محدود است. اگر ایران در نظر بسیاری یک قدرت شوم است به روزهای ابتدایی انقلاب اسلامی بر می گردد که ایران را برای آمریکا به عنوان یک کشور شرور معرفی کرد و همچنین برخی دیگر از کشورهای منطقه نیز می خواهند ایران را مقصر همه مشکلات منطقه بدانند.

۱۰- امروز ایران چگونه می تواند منافع ایالات متحده را تهدید کند. محتمل ترین حالت ضربه به منافع آمریکا در افغانستان، عراق و شاید نیروهای دریایی ایالات متحده در خلیج فارس باشد. به طور خلاصه، همان نیروهایی که در منطقه برای مقابله با حملات احتمالی از سوی ایران مستقر شده اند خود هدف حمله هستند. بنابراین، در صورت بازگرداندن آنها به خانه، ترس از این حملات نیز مرتفع خواهد شد.

۱۱- به علاوه، نگه داشتن نیروها در عراق هیچ تاثیری در کاهش نفوذ ایران نخواهد داشت و حتی ممکن است به حفظ حمایت از نقش ایران در عراق کمک کند. همانطور که دیدیم آخرین حملات ایالات متحده توسط هر دو دولت سوریه و عراق محکوم شد.

<https://responsiblestatecraft.org/2021/06/30/the-strikes-against-militias-and-the-future-of-us-troops-in-the-middle-east>

احمد توویج در نیوزویک: چه بر سر آزادی بیان آمد؟

نویسنده: احمد توویج Ahmed Twajj

تاریخ: ۲۰۲۱/۰۶/۳۰

۱. هرگز بر این باور نیستم که وبسایت‌های ایرانی مسدود شده توسط آمریکا در روزهای اخیر، منابع خبری معتبری بودند، اما، به عنوان یک روزنامه‌نگار و طرفدار آزادی بیان، باور دارم که باید از آزادی رسانه‌ها حفاظت کرد.
۲. اقدام دولت آمریکا در راستای سانسور رسانه‌ها بر خلاف قانون اساسی ایالات متحده است. در اصلاحیه اول قانون اساسی آمریکا آمده است که آزادی بیان و آزادی مطبوعات در تمام ارزش‌های آمریکایی مورد تایید و تاکید قرار گرفته است. اخیراً، از مفهوم آزادی بیان سوءاستفاده می‌شود و به‌عنوان پوششی برای انتشار اخبار جعلی و لفاظی‌های نژادپرستانه به کار می‌رود.
۳. طبق معیارهای Media Bias/Fact Check، کانال‌هایی مانند پرس تی‌وی، همانند برخی از رسانه‌های آمریکایی از جمله بریتبارت نیوز (Breitbart News)، «درجه اعتبار پایینی دارند». اما هدفگیری گزینشی برخی از رسانه‌ها برای سانسور کردن، پیشینه‌ای خطرناک را برای دولت آمریکا ثبت می‌کند، به ویژه زمانی که پلتفرم‌های جمعی اخبار جعلی به جریان اصلی رسانه‌ای راه پیدا کرده‌اند.
۴. رسانه‌های ایرانی ممکن است اخبار جعلی منتشر کنند، اما پلتفرم‌های آمریکایی از جمله بریتبارت نیوز، فاکس نیوز و نیوز مکس و بسیاری از رسانه‌های دیگر همچنان بی‌مانع به انتشار لفاظی‌های خطرناک‌ترشان ادامه می‌دهند، برغم اینکه بررسی‌ها و حقیقت‌سنجی‌های بی‌شمار بیانگر جعلی بودن تولیدات آنها است.
۵. تبلیغات بی‌وقفه پیرامون تقلب در انتخابات به بزرگترین حمله علیه دموکراسی آمریکایی در تاریخ معاصر این کشور انجامید: شورش‌های ۶ ژانویه. اما رسانه‌ها و سیاستمداران مسئول این خشونت بدون هیچ‌گونه عقب نشینی از موضعشان، به حال خود رها شدند. به گزارش نشریه پزشکی لانست (Lancet)، اخبار جعلی مربوط به بحران کووید ۱۹ عامل ۴۰ درصد از تمام مرگ‌های قابل‌پیشگیری ناشی از کووید ۱۹ در آمریکا بود.
۶. این همه‌گیری انتشار اخبار جعلی در رسانه‌های آمریکا نیز همانند رسانه‌های ایرانی شایع است. دولت آمریکا پیش از تمرکز محض بر رسانه‌های بین‌المللی باید مشکلی را که در داخل دارد حل کند.
۷. سایر رسانه‌های خارجی، از جمله رسانه‌های دولتی روسیه، نیز به نشر اخبار جعلی می‌پردازند اما به سرنوشت رسانه‌های ایرانی دچار نشده‌اند. این مساله و همچنین مسدود کردن تلویزیون اهل البیت، یک کانال غیردولتی وابسته به اسلام شیعه، نشان از هدفگیری کورکورانه هر رسانه فرهنگی ایرانی است، بدون اینکه به دولتی بودن رسانه‌ها یا وابستگی آنها به گروه‌های شبه‌نظامی توجهی شود. مسدود کردن شبکه خبری عرب زبان الحرة (AL-Hurra)، وابسته به دولت آمریکا در عراق، انتقادات بی‌شماری را به همراه داشت و واشنگتن بغداد را به نقض آزادی مطبوعات متهم کرد. به همین دلیل، آمریکا هم نباید سانسور گزینشی‌اش را اجرا کند.
۸. آمریکا اخیراً در میان ۱۸۰ کشور رتبه ۴۴ را در شاخص آزادی مطبوعات جهان به دست آورده است که نسبت به دوران ریاست جمهوری ترامپ، بهبود اندکی را نشان می‌دهد. اما سانسور رسانه‌ها آزادی مطبوعات را بهبود نخواهد داد. راه حل انتشار اخبار جعلی تنظیم مقررات رسانه‌ای است. باید هر رسانه‌ای که به جرم انتشار اخبار جعلی خطرناک مقصر شناخته می‌شود را جریمه کرد و رسانه‌هایی که دوباره مرتکب این جرم می‌شوند را تعطیل کرد.

مساله این نیست که آیا وبسایت‌های ایرانی اخبار جعلی منتشر می‌کنند، مساله این است که سایر رسانه‌ها در آمریکا دروغ‌های بسیار خطرناک‌تری را منتشر می‌کنند و به این کارشان ادامه می‌دهند. باید از آزادی مطبوعات حفاظت کرد اما این نباید به معنای مجوزی رایگان برای انتشار دسیسه باشد. آمریکا باید پیش از ایفای نقش پلیس در اینترنت جهانی بحران دروغ‌پراکنی خودش را حل کند.

<https://www.newsweek.com/what-happened-free-speech-opinion-1605353>

نکات اصلی مقاله دنیس راس و جیمز جفری در آتلانتیک: مشکلی، توافق هسته ای نیست. مشکل، ایران است.

اگر هم زمانی به برجام بازگشتیم، دولت بایدن باید تلاش های فزاینده ایران در منطقه را چاره کند.

نویسنده: جیمز جفری و دنیس راس James Jeffrey and Dennis Ross

تاریخ: ۲۰۲۱/۰۶/۲۹

۱. جنگ ماه گذشته اسرائیل - حماس گوشزدی بود بر اینکه در خاورمیانه تقریباً همه چیز با هم پیوند دارد؛ چه راکت های حماس باشد یا ادامه کشمکش یمن یا توافق هسته ای، تهران و نقش ناپایدارسازی در منطقه، یک فاکتور مشترک به حساب می آید.
۲. ما سیاست دولت بایدن را درک می کنیم: پس راندن برنامه هسته ای ایران و استفاده از زمانی که بدست می آید برای رسیدن به یک توافق محکمتر و بلندتر یا تقویت بازدارندگی آمریکا به گونه ای که ایران بفهمد آمریکا مانع رسیدن این کشور به نقطه گریز هسته ای خواهد شد.
۳. رهبر ایران می خواهد نشان دهد که بازگشت به برجام، به معنی آن نیست که وی از ایدئولوژی مقاومتش دست بردارد پس ما باید انتظار دخالت بیشتر ایران در یمن، عراق، سوریه و لبنان و نیز تهدید کشورهای همسایه را داشته باشیم. همین ترس از برنامه منطقه ای ایران است که عامل بخش عمده ای از مخالفت با برجام بوده و هست.
۴. از سال ۲۰۱۳ که گفتگوهای جدی با ایران آغاز شد تا ۲۰۱۸ که ترامپ از برجام خارج شد، ایران رفتارش را ملایم تر نکرد بلکه دست اندازی هایش در منطقه را سرعت داد و از بی ثباتی ناشی از بهار عربی و نیز ظهور دولت اسلامی برای گسترش قدرت خود بهره برد. برای بسیاری در منطقه، این روند، درس روشنی داشت: هیچ راهی برای اعتماد سازی با ایران وجود ندارد چرا که برنامه اش، سلطه بر منطقه است.
۵. رویکرد بایدن در برابر ایران، آشکارا با رویکرد باراک اوباما تفاوت دارد. برای مثال اینکه تیم بایدن در برابر تهدیدهای مستقیم و غیرمستقیم ایران، منفعل نخواهد بود... همزمان مقام های آمریکایی در گفتگوهای خصوصی خود با متحدان آمریکا در منطقه، تعهداتی را می دهند به اینکه پرونده هسته ای موجب نمی شود که آمریکا رفتار منطقه ای ایران را تحمل کند...
۶. نکته این است که شرط کارآیی دیپلماسی این است که ایران بداند یک توان نظامی پشت آن نهفته است. بدون فشار، برجامی هم در کار نخواهد بود و اگر خواهان بازداشتن رفتارهای ناخوشایند ایران هستیم، باید بتوانیم به رهبران نشان دهیم که بهای رفتارشان را خواهند پرداخت.
۷. اکنون که اسرائیل هم در کنار دیگر مناطق خاورمیانه، در محدوده جغرافیایی مسوولیت فرماندهی مرکزی آمریکا- سنتکام- قرار دارد، دولت بایدن باید شرکای عربی ما را همراه سازد تا گزینه هایی را برای یک برنامه اضطراری در برخورد با تهدید گروه های شبه نظامی شیعه، توسعه دهند. دولت آمریکا همچنین باید کشورهای خلیج فارس را ترغیب کند تا حمایت بهتری از دولت عراق به عمل آورند و برای زیر فشار قراردادن توانایی ایران در صدور سلاح به دست نشاندگانش و حمایت مداوم از حملات اسرائیل علیه تلاش های ایران برای برساختن زیرساخت

نظامی و فراهم کردن توانمندی های هدایت شونده دقیق برای موشک های سوریه و حزب الله، از دارایی های جمعی مان بهتر استفاده کنیم.

۸. باید توافق های ابراهیم را تقویت کنیم تا نه تنها از ارتباط با کشورهای عربی برای پیشبرد صلح میان اسرائیل و فلسطینی ها استفاده کنیم بلکه ائتلاف علیه ایران را نیز مستحکم سازیم. برای موفقیت در این زمینه ها، دولت بایدن باید با شرکای عربی، اسرائیلی و ترک در زمینه مسائل منطقه ای ایران همکاری کند و فشار بر تهران و دولت هایی که وسوسه مامشات با تهران را دارند، افزایش دهد.

۹. چنین رویکردی، مانع دیپلماسی نخواهد شد بلکه برعکس، می تواند آن را به پیش برد. در واقع اگر دیپلماسی در مسیر درستی قرار گیرد، شاید بتوانیم منافع ایران را هم در گفتگوها تامین کنیم. در انتهای داستان، اگر قرار است گفتگوی منطقه ای با تهران، شانسی برای کاهش تنش ها و کاستن از احتمال منازعه و تشدید بحران داشته باشد، نیازمند چنان فشاری از منطقه است که به تهران دلیل و انگیزه لازم برای مهار رفتارش را بدهد.

<https://www.theatlantic.com/ideas/archive/2021/06/iran-nuclear-deal-middle-east/619307>

نکات اصلی مقاله دیوید سانگر در نیویورک تایمز: بایدن با امواج متقاطع تندى در سياست خود با ايران روبروست.

فرمان حملات هوایی علیه شبه نظامیان مورد حمایت ایران، نشان می دهد که بایدن مجبور است میان بکارگیری زور و پی جویی دیپلماسی برای احیای برجام رفت و برگشت کند.

نویسنده: دیوید سانگر David E. Sanger

تاریخ: ۲۰۲۱/۰۶/۲۹

۱. تصمیم بایدن به حمله علیه شبه نظامیان مورد حمایت ایران در عراق و سوریه در اوایل وقت دوشنبه، نشان از موازنه ای شکننده در رویکردش در برابر تهران دارد: او باید نشان دهد که اراده بکارگیری نیروی نظامی برای دفاع از منافع آمریکا را دارد و همزمان یک خط تماس دیپلماتیک بسیار ظریف را هم با ایران حفظ کند که تلاش دو کشور برای بازگشت به توافق ۲۰۱۵ هسته ای را ممکن می سازد. مقام های دولت آمریکا در سخنان عمومی شان تاکید دارند که این دو مسئله از هم جدا هستند... اما در واقعیت، این دو مسئله عمیقاً درهم تنیده اند.

۲. از چشم انداز ایران، حرکت در مسیر توانمندی ساخت سلاح هسته ای، تاحدودی برای آن است که نشان دهد تهران، نیرویی است که باید در خاورمیانه و فراتر از آن به حساب آید. اکنون، قدرت این کشور با زردخانه تازه ای از پهپادهای بسیار دقیق، موشک های دور برد و سلاح های سایبری در حال پیشرفت، تقویت شده که برخی از این فن آوری ها در سال ۲۰۱۵ و به هنگام امضای برجام، فراتر از مهارت تهران ارزیابی می شد.

۳. در جبهه منطقه ای، حملات صبح دوشنبه توسط نیروی هوایی آمریکا، چیزی بیش از یک پسرقت موقت برای ایران به حساب نمی آید. در این جبهه هم خطر تشدید تنش وجود دارد. اواخر دوشنبه، راکت هایی به پایگاه نیروهای آمریکایی در سوریه شلیک شد.

۴. حتی اگر بایدن موفق شود که برجام را هم احیا کند، هنوز هم با این چالش دست به گریبان خواهد بود که راهی برای محدود کردن ایران در منطقه پیدا کند - گامی که رییس جمهوری منتخب ایران - ابراهیم ریسی - همان فردای انتخابش گفت که هرگز با آن موافقت نخواهد کرد.

۵. از این زاویه است که حملات هوایی هم، تنها بر امواج متقاطع تأکید می گذارد که بایدن در به جریان انداختن یک سیاست منسجم در برابر ایران، با آنها روبروست. او از جانب کنگره، اسرائیل و متحدان عربی، با فشارهایی از جهات گوناگون روبروست و اکنون هم در آستانه روی کار آمدن یک دولت تندرو در تهران هستیم که ریاست آن با کسی است که از سال ۲۰۱۹، مشمول تحریم های وزارت خزانه داری آمریکا است که به این نتیجه رسید که او "در کمیته مرگی که سی سال پیش، هزاران زندانی سیاسی را اعدام کرد، مشارکت داشته است." جدای از کنگره، دولت تازه اسرائیل هم همچنان تحفظ های عمیقی نسبت به احیای برجام دارد.

۶. امروز، زرادخانه متنوع ایران - پهپادهایی که میتوانند یک سلاح کوچک متعارف را با دقتی مرگبار علیه نیروهای آمریکایی به کار گیرند، موشک هایی که می توانند همه کشورهای خاورمیانه و حاشیه اروپا را هدف بگیرند، سلاح های سایبری علیه موسسات مالی آمریکا - همگی بطور منظم توسط نیروهای ایران به کار گرفته می شوند. هیچیک از این سلاح ها، در توافق ۲۰۱۵ دیده نشده اند.

۷. پرسش این است که آیا پس از احیای این توافق، می توان ایران را به توافقی کشاند که این فن آوری ها را هم در بر بگیرد؟ دستیاران دولت بایدن می گویند که آمریکا پس از احیای برجام هم از اهرم کافی برای رسیدن به این منظور برخوردار است چرا که ایران برای فروش نفت خود خواهان دسترسی بیشتر به سامانه های بانکی غربی است. با این حال، این نظریه که واشنگتن می تواند با دولت تندروی تازه در ایران گفتگو کند، هنوز محک نخورده و نشانه های نگران کننده ای هم رخ نموده است از جمله اینکه ایران، بدون هرگونه توضیحی، از تمدید توافق با بازرسان بین المللی خودداری کرده است. این برای دولت بایدن بسیار مسئله حساسی است چرا که باید کنگره، اسرائیل، عربستان سعودی و دیگران را متقاعد کند که همزمان با جاری بودن گفتگوهای وین، هیچ مواد شکافت پذیری برای استفاده در یک بمب هسته ای، جایجا نشده است.

۸. اگر این مسئله به یک بحران تمام عیار تبدیل شود، می تواند کل توافق هسته ای را ناکار سازد و دولت آمریکا را هم وارد چرخه تازه ای از تشدید تنش کند، همان چیزی که واشنگتن می خواهد از آن پرهیز نماید.

<https://www.nytimes.com/2021/06/28/us/politics/biden-iran-policy.html>

نکات اصلی مقاله استفان والت در فارین پالیسی: ژئوپولیتیک همدلی

چگونه فهم- یا بدفهمی چشم اندازهای دیگر کشورها، نظم جهانی را شکل می دهد؟

نویسنده: استفان والت (استاد روابط بین الملل در دانشگاه هاروارد)

تاریخ: ۲۰۲۱/۰۶/۲۷

۱. کشورها به دلایل گوناگونی با هم رقابت و ستیز می کنند و گاه دلایل این کار برای دو طرف منازعه، روشن است. اما در دیگر موارد، فهم درستی از ریشه اختلاف وجود ندارد و گستره دشمنی، بزرگتر از آنی است که باید باشد. اینجاست که کشورها می دانند که اختلاف دارند اما درباره سرچشمه این مشکل، یا سردرگم هستند یا دچار گمراهی. در این موارد، حل مشکل بسیار دشوارتر می شود و احتمال تشدید چرخه دشمنی میان آنان هم بالاتر می رود.

۲. این است که یکی از درس هایی که در کلاس های دانشگاه، پیگیر آن هستیم، اهمیت همدلی (empathy) است یعنی اینکه بتوانیم مشکلات را از چشم انداز دیگری هم ببینیم. انجام این کار، لزوماً به این معنی نیست که با نگرش و باور طرف مقابل موافقت کنیم؛ بلکه رسیدن به این درک است که دیگران چه نگاهی به اوضاع دارند و اینکه دلایل رفتارشان را بفهمیم. نکته اینجاست که همدلی، یک دلیل عملگرایانه بسیار مهم دارد: اگر شما سرچشمه های کردار یک رقیب را شناسید، تلاش برای ترغیب آن رقیب به دگرش رفتار هم دشوارتر می شود.

۳. من هنگامی نسبت به این مسئله، هشیار شدم که مقالاتی از مرحوم "لی راس Lee Ross" را می خواندم که یک روانشناس اجتماعی پیشرو بود که سالها در دانشگاه استنفورد تدریس می کرد. مشهورترین کتاب راس، "خطای انتساب پایه fundamental attribution error" نام دارد که به مفهومی کانونی در این حوزه تبدیل شده و کاربردهای گسترده ای دارد. خطای انتساب پایه، همان گرایش آدمی است به تاکید بر توجیه های گذرا یا موقتی یک رفتار به جای توجیه های موقعیتی یا واقعی.

۴. به بیان دیگر، گرایش آدمیان این است که رفتار دیگری را بعنوان بازتابی از شخصیت، سرشت، خواسته ها یا گرایش های پایه ای او ببینند و نه واکنش او به شرایطی که در آن قرار گرفته است. این در حالی است که گرایش ما این است که رفتار خودمان را بعنوان واکنشی ببینیم به شرایطی که با آن دست به گریبانیم و نه نشانه ای از "آنچه که هستیم".

۵. برای مثال، اگر کسی به ما دروغ بگوید، گرایش ما این است که دلیل دروغ گفتن این فرد را کاستی و عدم انسجام شخصیتی او بدانیم؛ او دروغ می گوید چون آدم دروغگویی است. البته گاه می شود که چنین برداشتی، درست هم باشد. اما اگر خودمان یک دروغ بگوییم، آن را اینگونه توجیه می کنیم که خب، به خاطر شرایطی که در آن قرار داشتیم، مجبور به این کار شدم و این، دلیلی بر وجود کاستی در شخصیت من نیست! اگر فرد دیگری بردباری اش را از دست داده و پرخاش کند، نتیجه می گیریم که او ذاتاً تندخوست یا در مدیریت خشم خود مشکل دارد و نه اینکه او مثلاً زیر فشار کار سنگین، ناتوان شده یا سروکله زدن با سه کودک در شرایط قرنطینه یا بیخوابی، او را کلافه کرده است.

۶. نتیجه اینکه به این باور گرایش داریم که دیگران، از اهرم و کنترل بیشتری بر کردارهایشان برخوردارند. فکر میکنیم آنچه ما قادر به انجام آن هستیم، به شدت توسط شرایطی که در آن قرار داریم، محدود می شود اما آنچه دیگران انجام می دهند، عمدتاً به دلیل سرشت شخصیتی شان یا اراده شان است. این است که اگر مشکلی میان ما پیش بیاید، گرایش داریم باور کنیم که طرف ما، گزینه های بسیار بیشتری برای حل مسئله در اختیار داشته است و بنابر این بار مسوولیت این مشکل بر گردن اوست.

۷. همانگونه که رابرت پرویس، دانشمند علوم سیاسی در کتاب کلاسیک خود با عنوان "فهم و بدفهمی در سیاست بین الملل Perception and Misperception in International Politics" روشن ساخت، بینش هایی که راس و دیگر روانشناسان اجتماعی ارائه دادند، می تواند به ما در فهم این واقعیت کمک کند که چرا چرخه های منازعه، اغلب اوج می گیرند و کنترل آنها تا به این حد دشوار است. اگر هر دو طرف این برداشت را داشته باشند که کردارهای طرف مقابل، ناشی از سرشت درونی اوست و عمدتاً ارادی و عامدانه است اما کنش های ما، دفاعی، ناخواسته و عمدتاً واکنشی به شرایطی بیرونی است که کنترل چندانی بر آن نداریم، در آن صورت یافتن زمینه های مشترک، بسیار دشوار می شود.

۸. اکنون به چند مثال سیاست خارجی در این زمینه توجه کنید: کارشناسان جریان اصلی سیاست خارجی (در غرب) گرایش دارند که رویکرد دولت ها را با تمرکز بر سرشت رهبران یا نوع رژیم هایشان توجیه کنند: چرا روسیه در اوکراین دخالت می کند؟ به این دلیل که ولادیمیر پوتین، یک اوباش دست پرورده کا.گ.ب است که عقده احیای ابرقدرتی روسیه را در سر دارد و فرصت طلبانه عمل می کند. چرا ایران در عراق، سوریه یا یمن دخالت می کند؟ چون تحت رهبری متعصبینی مذهبی است که زندگی آدم ها برایشان ارزشی ندارد و تنها در فکر صدور الگوی خودشان هستند.

۹. مثال دیگر: چرا یک چین در حال خیزش، ایغورها را تحت پیگیری قرار می دهد، در دریای جنوبی چین، جزیره می سازد و تایوان را تهدید می کند؟ چون شی جین پینگ، یک رهبر جاه طلب است که می خواهد حتی وجهه اش از خود مائو تسه دونگ هم بالاتر برود. و به همین ترتیب درباره برخی کشورهای دیگر.

۱۰. بسیار کم پیش می آید که این کارشناسان این احتمال را هم بررسی کنند که چه بسا این اقدامات پرخاشگرانه و تهاجمی، واکنش هایی باشد به رخدادها یا شرایطی که این رهبران، از ناحیه آنها احساس تهدید می کنند (حال چه درست یا نادرست). برای نمونه، سیاست های روسیه در اوکراین، بسیار شبیه سیاست های دهه ۱۹۸۰ دولت ریگان در برابر نیکاراگوئه است.

۱۱. در هر دو مورد، یک ابرقدرت، نگران آن است که رخدادها داخلی یک کشور مجاور، می تواند کار را به آنجا بکشاند که این همسایه با رقیب ابرقدرتش همداستان شود. پس در هر دو مورد، این ابرقدرت، یک ارتش شورش را سازماندهی و حمایت کرد تا به چالش با دولت محلی برخیزد. اما در حالی که آمریکایی ها، سیاست های خود را بعنوان ضرورتی می دیدند که آنها را در یک شرایط خاص مجبور به چنین اقدامی کرده است، کنش های پوتین را کاملاً ارادی، کاملاً غیرمسئولانه و سندی قطعی می بینند که از سرشت مشکل دار این فرد ناشی می شود.

۱۲. اما هرگاه که مقام ها و مفسران آمریکایی، به رفتار دولت آمریکا نگاه می کنند، نوعاً این رفتار را کمتر ناشی از خصلت ها، گرایش ها یا ویژگی های شخصیتی رهبرانشان بلکه بیشتر به عنوان ضرورت های راهبردی الزام آور می بینند. چرا آمریکا باید ناوگان ها، سربازان و اسکاردران های هوایی اش در همه جای جهان حضور داشته باشد و چرا در امور داخلی دیگر کشورها دخالت می کند؟ البته نه به این خاطر که خواهان چنین کنش هایی است، نه هرگز! این کارها را می کند چون "مسئولیت ویژه ای" دارد یا به این دلیل که تهدید هایی فوری متوجه اش هست که

مجبور است با آنها مقابله کند! در چنین نگرشی، حتی "جنگ های عمادانه" هم معلول شرایطی اجباری و الزامی هستند.

۱۳. سوگیری انتساب، همچنین این گرایش مکرر را تحمیل می کند که مشکلات بین المللی را نه با دیپلماسی و سازش بلکه از گذر جایگزینی رژیم ها و دیگر گام های رادیکال حل کنیم. اگر اینگونه است که رفتار نگران کننده ی یک مخالف، از سرشت او سرچشمه می گیرد- و بازتابی است از آنچه او هست- در آنصورت دشوار بتوان پذیرفت که تا این افراد و نهادهای مسوول این رفتار بر سر کار هستند، بتوان آن مشکل را حل و فصل کرد. اگر واقعا با رهبر یا رژیمی سروکار دارید که ذاتا ناراست است یا لاجرم تجاوزگر است، هر سازشی احتمالا بی حاصل و چه بسا خطرناک به نظر رسد.

۱۴. بنابراین، چندان شگفت آور نیست که آمادگی برای جنگ های پیشدستانه (مثل جنگ ۲۰۰۳ عراق)، همیشه با دیوسازی از دشمن بعنوان یک ابلیس مطلق، غیرقابل اعتماد و بدون استعداد تغییر یا سازش همراه می شود.

۱۵. تازه این تنها بخشی از توجیه جنگ و فروش آن به افکار عمومی هم نیست بلکه چه بسا کسانی که از دشمنان خود دیوسازی می کنند، به آنچه می گویند باور هم داشته باشند. اینگونه است که اتکای بیش از حد بر روی توجیه های سرشت گرا، موجب می شود که منازعات، شدیدتر و خشن تر شوند، حل و فصل آنها دشوار شود و زمینه خشونت بازهم بیشتر را فراهم آورند. با کمال تاسف، چنین گرایش هایی، در داخل آمریکا روز به روز آشکارتر می شود.

۱۶. یک ویژگی واقع گرایی در سیاست خارجی، این است که به جهان کمک می کند در برابر انواع خطاهای بنیادین انتساب که لی راس آنها را شناسایی کرد، بایستد. به جای آنکه رفتارهای دیگران را به ویژگی های "سطح واحد" (شخصیت رهبران، نظام های سیاسی یا هرچیز دیگری) نسبت دهیم، واقع گرایی تاکید دارد که چگونه نبود یک حاکمیت مسوول ناظر (همچون یک آنارشی بین المللی) همه دولت ها- و بویژه همه قدرت های مهم- را به این سو می کشد که منافع خودخواهانه خودشان را اولویت دهند، کمابیش بطور پیوسته با دیگران رقابت کنند، هرگاه فرصت دست دهد از مزیت های نسبی خود بهره برداری کنند و سیاست هایی را در پیش گیرند که در نگاه دیگران، اغلب تهدیدآمیز و نگران کننده است.

۱۷. به جای آنکه جهان را به کشورهای خوب و بد تقسیم کنیم- قدرت های موجود در برابر تجدیدنظر طلبان، یا رهبران صلح دوست در برابر متجاوزان بالفطره- واقع گرایان درک می کنند که دولت ها و همه انواع رهبران، با جهانی بالاتکلیف و ناامن سروکار دارند و ممکن است در تلاش خود برای رسیدن به امنیت بیشتر، به کارهای تاسف آوری دست بزنند. واقع گرایان می توانند به خوبی برق نگاه دیگران را ببینند اما کمتر احتمال دارد که فریب نگاه خودشان را نادیده بگیرند.

۱۸. منظور این نیست که همه جنگ ها و کشمکش ها، بر سوء تفاهم و سوگیری استوار است و ویژگی ها و انگیزه های شخصی در روابط بین الملل نقشی ندارد. چه بسا برخی تعارض منافع، بنیادی کاملا منطقی داشته باشند- و به همین دلیل هم بیشتر مصیب بار خواهند شد- و چه بسا که طرف های ستیز، هیچ توهمی درباره نقاط اختلافشان نداشته باشند.

۱۹. پارانوایی یک رهبر، جاه طلبی ها یا رویاهای زیبایش، تأثیری عمیق بر سیاست خارجی کشورها دارد و نیز نگرش های ایدئولوژیک، عوامل داخلی، یا بی کفایتی محض می تواند در این میدان نقش آفرین باشند. درک ما از سوگیری انتساب، نباید تا جایی پیش رود که دیگر سرچشمه های زحمت آفرین را بطور کامل نادیده بگیریم. اما هنگامی که با یک مشکل آزاردهنده بین المللی، یک دشمن ستیزه جوی یا کشوری روبرو هستیم که رفتارش را

دردسرافرین یا تهدیدکننده می دانیم، هسته بینش لی راس به ما گوشزد می کند که بایستیم، تامل کنیم و از خودمان چند پرسش کلیدی را بپرسیم.

۲۰. پرسش نخست این است که آیا دشمن ما، اینگونه عمل می کند چون رهبرانش واقعا خواهان چنین رفتاری هستند یا اینکه نه، آنها فکر می کنند که شرایطی که گرفتارش هستند آنها را وادار به انجام کارهایی می کند که ترجیح می دهند از آن پرهیز می کردند؟

۲۱. پرسش دوم، اگر گزینه دوم یک احتمال واقعی باشد، آیا این هم ممکن است که برخی از کردارهای ماست که به طرف ما نوعی احساس الزام شدید داده و ناخواسته به رفتاری وادارش می کند که موجب آزار ماست؟

۲۲. سوم، اگر چنین است، آیا هیچ گامی هست که بتوانیم برای التیام آن نگرانی ها برداریم- مثلا دگرگون کردن محیط و موقعیتی که حریف ما، خود را در آن گرفتار می بیند بی آنکه منافع خودمان هم به خطر افتد؟

۲۳. همیشه این امکان وجود ندارد که یک چرخه غیرضروری را متوقف کرده یا وارونه کنیم اما برای آمریکا (و دیگران)، بسیار بهتر خواهد بود اگر تلاش بیشتری را صرف بهره وری از فرصت های حل منازعه از گذر دیپلماسی واقعی نمایند تا اینکه همه شیاطین را در چهره حریفی ببینند که رویکرد ناخوشایندی دارد و الزاما باید نابود شود تا ما کامیاب شویم!

۲۴. سپهر روابط بین الملل، بسیار از نظر فکری مدیون مرحوم لی راس است که چنین بینش محوری ای را به جهان عرضه کرد. اگر این بینش، تاثیر و نفوذ بیشتری بر رفتار خود سیاست خارجی هم داشته باشد، میراثی کارآمدتر خواهد شد.

<https://foreignpolicy.com/2021/06/27/the-geopolitics-of-empathy>

۸. هرچند مخاطبان ممکن است بلافاصله متوجه نشوند که خطامشی‌ای خاص با زور به خورد آنها داده می‌شود و حتی چه‌بسا طعم چنین خط مشی‌ای را بپسندند، اما در زمانی خاص، آنها از این فریبکاری خسته خواهند شد و در جایی به دنبال اخبار مورد نظرشان خواهند گشت که به هوش و آگاهی آنها احترام گذاشته می‌شود. ظاهراً طبق گزارش رویترز، آن زمان خاص اکنون فرا رسیده است.

<https://www.newsweek.com/americans-hate-media-because-its-terrible-opinion-1603974>